



## توطئه گران جهانی، از جنبش وال استریت تا پول واحد جهانی

نوشته: سرباز شبکه مثبت



درست که در بطن جنبشهایی مثل بهار عربی و وال استریت و ... ممکن است کمی آگاهی عمومی هم ایجاد شود، اما نباید ذوق زده شد و از ریشه های آن غافل شد

توطئه گران جهانی سالهاست که در تلاشند پول واحد جهانی را برقرار سازند. از چند سال قبل مراحل اجرایی این پروژه عملاً استارت خورده است. در این راستا میخواهند یک پول ایجاد (صندوق بین المللی پول) IMF (حق برداشت ویژه) SDR جهانی را بر مبنای واحد کنند. سابقه حق برداشت ویژه به سال 1970 بر میگردد.

صندوق بین المللی پول در سال 1970 حق برداشت ویژه را برای نقل و انتقالات بین المللی به جای طلا معرفی کرد و به این ترتیب حق برداشت ویژه در واقع ذخیره دارایی اصلی در سیستم مالی بین المللی شد.

در ابتدا، یک واحد حق برداشت ویژه معادل یک دلار یا 35 واحد حق برداشت ویژه، معادل یک انس طلای خالص بود اما از 1974 تا 1980، هر واحد حق برداشت ویژه میانگین

وزنی پول 16 کشور مختلف در نظر گرفته می شد که حجم صادرات و وارداتشان در دوره 5 ساله منتهی به 1972 بیش از یک درصد کل تجارت بین المللی بود. از 1981 به بعد برای محاسبه هر واحد حق برداشت ویژه از میانگین وزنی پنج پول عمده جهانی که بطور روزانه و توسط صندوق بین المللی پول محاسبه می شود استفاده می گردد. همچنین صندوق بین المللی پول سبد حق برداشت ویژه و ضریب اهمیت پولهای درون سبد را هر پنج سال یک بار مورد تجدید نظر قرار می دهد.

مقدار حق برداشتی که به اعضاء تخصیص داده می شود متناسب با مبلغ سهمیه آنها در صندوق است. دارائی اعضا از حق برداشت ویژه بخشی از ذخائر بین المللی آنها به حساب می آید. حق برداشت ویژه را می توان برای معاملات گوناگونی مصرف کرد و می توان آن را به ارزشهای مهم بین المللی تبدیل نمود. در واقع هدف صندوق بین المللی پول ترویج حق برداشت ویژه به عنوان یک پول ذخیره ای بین المللی است.

در راستای تحمیل واحد پول جهانی به مردم دنیا، ابتدا میبایست مردم جهان قانع شوند که نظام فعلی پولی و بانکی در جهان نا امن و نامطمئن است و موجب بحران مالی جهانی شده است. لذا در ابتدا توطئه گران جهانی میبایست در سراسر جهان بانکها و نظامهای پولی و بانکی را به ورشکستگی میکشاندند.

برای اینکه خودشان از این بحران در امان بمانند، ابتدا تمام سرمایه های خود را به طلا و سایر دارایی های غیر نقدی تبدیل کردند. به این صورت که در یک فاصله زمانی تمام طلاهای جهان را خریداری کردند. و در صندوق های ذخیره شخصی و بانکهای خصوصی نگهداری کردند. کار حتی به جایی رسید که در سالهای 2006 تا 2010 دوران قبل از صعود فعلی نرخ طلا، کودکان یهودی در کشورهای نظیر کانادا و آمریکا خانه به خانه میرفتند و با ظاهری معصومانه از زندهای خانه دار میخواستند که طلاهای غیر ضروری خود را به آنها بفروشند!

خرید عمده طلا در بازار موجب بالارفتن نرخ طلا در بازار شد. اما نکته جالب این بود که مفسرین اقتصادی وابسته به این جریان تماما تلاش میکردند که افزایش نرخ طلا را عوامل حاشیه ای نظیر نرخ نفت و جنگ لیبی و درگیری خاورمیانه منتسب کنند!

در ایران نیز همین روند طی شد. افزایش بی سابقه تعداد بانک های خصوصی را میتوان در همین زمینه تحلیل کرد. توطئه گران جهانی با تاسیس بانک های خصوصی این امکان را

میافتند که چند برابر ذخیره قانونی خود نزد بانک مرکزی را در بازار طلا صرف کنند. و همچنین بانک خصوصی این امکان را به توطئه گران میداد تا انباری مطمئن برای ذخیره سازی طلا داشته باشند.

پس از اینکه توطئه گران دارایی خود را به طلا و سایر دارایی های غیر نقدی تبدیل کردند، در گام بعدی میبایست با اتخاذ سیاست های پولی، اعطای وام های عظیم غیر قابل وصول به شرکای خود و سوء استفاده های مالی و اختلاس و ... نظام های بانکی را در سراسر جهان به ورشکستگی بکشانند. این بحران هم اینک در حوزه یورو، وال استریت و جدیداً کشورهای نظیر ایران قابل مشاهده است. با بروز این بحرانها، تمامی کشورهای جهان از جمله ایران ورشکسته شده و پول کشورها به کاغذ پاره تبدیل خواهد شد.

در این هنگام است که توطئه گران جهانی از طریق صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، دنیا را متقاعد میکنند که کشورها و حوزه یورو توان اداره نظام مالی را ندارند و جهان به یک نظام پولی واحد جهانی نیاز دارد. در طی این پروسه و سقوط ارزش دلار آمریکا نیز اقتدار اقتصادی خود را از دست خواهد داد و ورشکسته خواهد شد. اینجاست که ققنوس توطئه گران جهانی از چین سربلند خواهد کرد. و اقتصاد آینده بر مبنای قدرت اقتصادی چین شکل خواهد گرفت.

وقایع چند سال گذشته پولی و مالی ایران، از جمله طرح هدفمند کردن یارانه ها، تاسیس قارچ گونه بانکهای خصوصی، فساد گسترده در سیستم بانکی و تغییر اسم واحد پولی و حذف صفرها و .... نیز در همین راستا قابل تحلیل است که مجال دیگری را میطلبد.

در حال حاضر جنبش ضد بانکداری میتواند به ابزار دست همین توطئه گران جهانی برای متقاعد ساختن جهانیان به ناکارآمدی نظام پولی ملی تبدیل شود و راه را برای استقرار نظام پولی جهانی باز کند!

سوالی که باید از جنبش وال استریت پرسید این است که شما در حال اعتراض به نظام بانکداری جهانی هستید، اما چه جایگزینی را ارائه میکنید؟! اگر به فرض، این در خیابان خوابیدن ها موجب سقوط نظام بانکداری جهانی شود، جایگزین بعدی آن چیست؟

این در حالی است که توطئه گران جهانی جواب را در مشت خود دارند، باید تا آخر ماجرا را شاهد بود!